

متن پرسش

سلام استاد: وقتتون بخیر. امیدوارم که فرصت پاسخگویی به این سوال را داشته باشید. حقیقت بعد از انتخابات سال پیش سوالات زیادی برای من پیش آمده که تا الآن پاسخ مناسبی برای این پرسش‌ها پیدا نکرده‌ام. بنده خودم به شدت طرفدار آقای جلیلی بودم و هستم، ولی این حب و بغضی که نسبت به ایشان به وجود آمده را درک نمی‌کنم و حتی بعضی از رفقای حزب اللهی، ایشان را مقصر و دچار خطای محاسباتی می‌دانند. برای مثال با فرد مطمئن و محترمی در این باره صحبت می‌کردم، ایشان استدلال می‌کردند که جامعه تغییر کرده و برای مثال استفاده از تیبیا که آقای جلیلی استفاده می‌کنند باعث تمسخر ایشان هست در این زمانه، یا اینکه گفتن از ایشان به اصطلاح یک «لولو» ساخته‌اند تا به این واسطه رای سلبی بیاورند و (واقعاً این موضوع را بنده در خانواده خود دیدم، کسی که سال‌ها بود رای نداده بود برای اینکه آقای جلیلی رای نیاورد به آقای پزشکیان رای داد)، و می‌گفتند که ایشان همین حضورشون پاس گل به جریان مقابل است تا رای جمع می‌کنند و نباید اصلاً ایشان در انتخابات شرکت کنند در سال‌ها بعد هم این یک نکته. نکته دیگر می‌گفتند که ایشان اگر کارآمد هستند چرا هیچ مسئولیت اجرایی به ایشان داده نمی‌شود؟ اگر به درد می‌خورد رهبری چرا به ایشان مسئولیت اجرایی نمی‌دهند؟ ممنون میشم اگر راهنمایی کنید، چون شما در هنگام انتخابات فرمودید که دیدگاه ایشان بیشتر به روح انقلاب اسلامی نزدیک است، ولی این نکات رو من براشون جوابی نداشتم. با تشکر.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: البته سخن در این رابطه بسیار است و خوب است به این فکر کنیم که در زمان و زمانه ای که بشر بیش از همیشه باید با تفکر حقیقی که شناخت باطل زمانه است؛ خود را بیابد، انسان می‌تواند باطل را در هر جریانی که با مسیر آخرین پیامبر مقابله می‌کند، بشناسد. و در این راستا راه خدا، به عنوان راهی که راه باطل نیست، خود را می‌نماید. این یعنی حضور در میدان «تولی» و «تبری» که حضور در اُنسِ نهایی با حضرت حق است در مقابله با میدانی که در نهایت خشونت با انسانیت است و این است راز حقانیت اسلام و ذیل اسلام، راز حقانیت انقلاب اسلامی است که با خشن‌ترین جبهه استکبار روبه رو شده، به معنای پایان تاریخ غرب استکباری که تاریخ فرار از حق و حقیقت است در نهایی‌ترین شکل. و با توجه به اینکه انسان در مسیر توحید و شریعت اسلامی از «آگاهی» به سوی «خودآگاهی» می‌رود و از «خودآگاهی» به «دل‌آگاهی» نایل می‌گردد که

همان تفکر حضوری است که منجر به درک موقعیت تاریخی می شود که در آن تاریخ حاضر است. می توان گفت آن مادر شهید و آن خانم خانه داری که در راهپیمایی ۲۲ دیماه شرکت می کنند؛ متفکرتر از بسیاری از تحصیل کرده های غربزده می باشند زیرا تفکر، همواره با «تقوی» و ورع همراه است تا به حکم: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل/۴۴) انسانها متوجه تفکری می شوند که در دل شریعت محمدی پیش می آید و جریان غربزده بی تقوا و بی ورع هرگز نمی تواند از آن شریعت بهره مند شود و به تفکری که آیه مذکور متذکر آن است برسد. در این رابطه نمی خواهم تصور شود هر کس به جناب آقای دکتر پزشکیان رای داده بی تقوا قلمداد شود ولی اینکه با بی تقوایی تمام نفی شخصیت آقای دکتر جلیلی را می کنند جای خود دارد. همین اندازه می توانم بگویم خداوند برای ادامه تاریخ انقلاب اسلامی در میدان اجرا جناب آقای دکتر سعید جلیلی را پروراند است، حال این مردم هستند که با نظر به اهداف عالی انقلاب بنگرند چه کسی می تواند آن اهداف را با جدیت عمیق و انقلابی و قرآنی به ظهور آورد.

در مورد کار اجرایی فراموش نکنید که ایشان به طور فوق العاده و ابتکاری جریان دولت در سایه را پیش آورده است و در این مورد چه خدماتی به جناب شهید رئیسی کردند و در این روزها نیز راهکارهای بسیار دقیقی را مطرح می کنند که متاسفانه عقل اقتصادی و سیاسی هیئت دولت تا اینجاها رشد نکرده اند، هرچند که قصد منفی ندارند ولی این انقلاب با روح و روحیه دیگری می تواند جلو برود که در شخصیت هایی مانند آقای دکتر جلیلی حاضر است و از این جهت باید امیدوار بود به خودآگاهی مردمی که پای کار انقلاب با تمام وجود ایستاده اند. موفق باشید